

۶ سال اقتدار در عین مظلومیت

روایت دست برتر مقاومت در یمن



گروه: بین الملل پژوهشگر: شریف زاده

تهیه شده در «مدیریت پژوهش‌های خبری»

۲	مقدمه
۳	خلاصه ای در باب پیشینه جنبش انصارالله
۴	ارتباط انصارالله یمن با حزبالله لبنان و محور مقاومت
۵	چگونگی آغاز جنگ یمن و بررسی دلایل پنهان آن
۶	الف- عربستان
۸	ب- رژیم صهیونیستی
۹	تغییر معادله قدرت در جنگ یمن
۱۰	سلسله عملیات های موازنه باز دارندگی
۱۱	جمهوری اسلامی ایران و اتهام دخالت در جنگ یمن
۱۲	دستاوردهای سیاسی انصارالله
۱۴	جمع بندی



روز ششم فروردین، تهاجم نظامی ائتلاف عربی تحت رهبری عربستان سعودی به یمن، وارد هفتمین سال آغاز خود شد. شش سال پیش جنگی نابرابر علیه فقیرترین کشور عربی به راه افتاد که قرار بود به طور برق‌آسا، حداکثر ظرف دو هفته، مهاجمان را به تمامی اهداف سیاسی و نظامی خود برساند؛ به همین دلیل عملیات نظامی که جنگ را با آن شروع کردند، «توفان قاطع» نام نهادند.

وقتی در ۲۶ مارس سال ۲۰۱۵ جنگ شروع شد، عربستان اعلام کرد مهم‌ترین هدف این حمله نظامی، بازگرداندن قدرت به «عبدربه منصور هادی» - رئیس جمهوری که پیش از آن استعفا داده و از صحنه گریخته بود- و مقابله با شورشیان حوثی است؛ و توانست در این تصمیم ده کشور را با خود همراه نماید. این کشورها شامل اعضای شورای همکاری خلیج فارس منهای عمان، به‌علاوه ترکیه، اردن، مصر، الجزایر و سودان بودند. آمریکا، رژیم صهیونیستی، انگلیس و دیگر کشورهای غربی نیز تهاجم نظامی به یمن را تأیید و با کمک‌های اطلاعاتی و تسلیحاتی تقویت می‌کردند. سخنگوی وقت ائتلاف سعودی در روز اول آغاز جنگ اعلام کرد که در یک ربع اول حمله، تمام امکانات نیروهای مسلح یمن از بین می‌رود و از بین بردن کامل انصارالله نیز چند هفته بیشتر به طول نمی‌انجامد. از نگاه برخی، در پیروزی سهل و سریع ائتلاف بر انصارالله تردیدی وجود نداشت؛ چراکه مهاجمان از حیث عده و عُدّه، قابل قیاس با انصارالله نبودند؛ جنگ با حملات ویران‌کننده هوایی آغاز و بعد از ۲۷ روز به درگیری‌های دریایی و زمینی کشیده شد.

امروز شش سال تمام است که بمباران‌های هوایی، محاصره دریایی و نبرد زمینی ادامه دارد، اما موقعیت طرفین مخاصمه، چه در عرصه میدانی و چه در صحنه سیاسی دچار تحول بنیادین شده است. هیچ‌یک از اهداف ترسیم شده مهاجمان تحقق نیافته؛ جنگ از خاک یمن، به عمق خاک عربستان منتقل شده؛ بارها و بارها تأسیسات حیاتی عربستان و حتی کاخ‌های خاندان سعودی مورد حملات پهپادی و موشکی قرار گرفته؛ حیثیت و وجهه بین‌المللی عربستان بر باد رفته؛ از ائتلاف عربی، حتی اسمی هم باقی نمانده و امارات نیز از یک هم‌پیمان قدیمی به رقیبی رو در رو با ریاض در جنوب یمن تبدیل شده است. اما در جبهه مقابل، انصارالله و نیروی مقاومت یمن، پس از شش سال دفاع مشروع در شرایط سخت محاصره همه‌جانبه، با تکیه بر توانمندی مبتنی بر خودکفایی، موازنه قدرت را در عرصه‌های سیاسی، نظامی، میدانی و منطقه‌ای، به نفع خود تغییر داده و امروز به‌عنوان یک جنبش قدرتمند منطقه‌ای تثبیت شده‌اند. سعودی‌ها که تا همین اواخر، حوثی‌ها و جنبش انصارالله را غارنشین‌های صعبه می‌نامیدند و گروهی شورشی و نامشروع می‌دانستند و به‌هیچ وجه حاضر به مذاکره با آنها نبودند، امروز با عجز و استیصال به‌دنبال واسطه‌هایی می‌گردند تا انصارالله را از اعمال فشار بیشتر منصرف، و به مذاکره راضی سازند. دیگر همه طرف‌های غربی و بین‌المللی به خوبی واقفند که نه می‌توانند انصارالله را در ساختار قدرت یمن نادیده گیرند، و نه هیچ راهکاری بدون موافقت انصارالله، عملی است.

انصارالله و نیروهای مقاومت مردمی یمن، چگونه توانسته‌اند موازنه قدرت را به سود خود تغییر دهند؟

جنبش انصارالله چه رابطه‌ای با جمهوری اسلامی ایران و حزب‌الله لبنان دارد؟

شرایط سیاسی، منطقه‌ای و بین‌المللی انصارالله چگونه است؟

نوشتار حاضر برای پاسخ‌گویی به این سؤالات نگاشته شده است. این پژوهش به روش اسنادی انجام یافته و اطلاعات آن برگرفته از تحلیل‌ها و دیدگاه‌های کارشناسان، پژوهش‌های پیشین، گزارش‌ها و اخبار مندرج در خبرگزاری‌ها و روزنامه‌های رسمی و پایگاه‌های خبری تحلیلی معتبر است.

□ خلاصه‌ای در باب پیشینه جنبش انصارالله

جنبش انصارالله یا حوثیه، جنبشی اصیل و ریشه‌دار است؛ جریانی برگرفته از شیعیان زیدی یمن؛ همانان که اکنون ستون فقرات انصارالله را تشکیل می‌دهند. شیعیان زیدی حدود یک سوم جمعیت یمن را تشکیل می‌دهند^۱ اما تا پیش از این در معادلات قدرت جایی نداشتند. در سال ۱۹۸۶ میلادی در یمن شمالی مؤسسه‌ای فرهنگی به نام «اتحادیه جوانان» تأسیس شد که هدف آن آموزش جوانان زیدی بود. «بدرالدین الحوثی» یکی از علمای برجسته این اتحادیه بود. در سال ۱۹۹۰ میلادی و بعد از اتحاد یمن شمالی و جنوبی، از دل آن جریان فرهنگی، حزب سیاسی به نام «حزب حق» بیرون آمد که شیعیان زیدی یمن را نمایندگی می‌کرد. در سال ۱۹۹۲، از درون حزب حق، مجدداً یک مجموعه فکری فرهنگی به نام «الشباب المؤمن» ایجاد شد^۲ که مؤسس آن هم یکی از فرزندان علامه بدرالدین، به نام «محمد بدرالدین الحوثی» بود^۳. عمده‌ترین هدف از پایه‌ریزی انجمن شباب المؤمن، مقابله با ظهور وهابی‌گری در یمن بود که با حمایت و نفوذ عربستان صورت می‌گرفت. چند سال بعد که الشباب المؤمن دچار انشعاب شد، «حسین بدرالدین الحوثی» فرزند علامه بدرالدین و برادر محمد بدرالدین، در رأس یکی از این انشعابات، مبادرت به ایجاد تشکلی نمود که گرایش‌های سیاسی روشنی داشت. پس از مسئولیت حسین الحوثی بود که این جریان به «جریان حوثی» مشهور شد^۴ که همان سنگ بنای «جنبش انصارالله» است. می‌توان گفت رهبر معنوی حوثی‌ها «بدرالدین الحوثی»^۵ و رهبر فکری جنبش انصارالله، فرزند او یعنی «حسین بدرالدین الحوثی» است. حسین الحوثی در هفدهم ژانویه ۲۰۰۲ میلادی در یکی از سخنرانی‌های خود در صحن یکی از مدارس صعده، فریاد «الله اکبر»، «مرگ بر آمریکا»، «مرگ بر اسرائیل»، «لعنت بر یهود» و «اسلام پیروز است» سر داد و این شعارها را بعد از همه نمازها ترویج کرد؛ «علی عبدالله صالح» رئیس جمهور وقت یمن او را به ترک این شعارها فراخواند و تهدید کرد که در صورت سرپیچی از فرمان، بدون ترحم او را مجازات خواهد کرد؛ پس از مقاومت حسین الحوثی، آمریکا که خطر حوثی‌ها برای رژیم صهیونیستی را درک کرده بود، و

۱. نشست کارشناسی پژوهش‌های خبری با دکتر «محمد رضا مرادی» کارشناس مسائل عربستان؛ ۱۳۹۷/۰۵/۰۳

۲. برخی بر این باورند که انجمن «شباب المؤمن» در سال ۱۹۹۰ تأسیس شده است.

۳. «احمدوند، ولی محمد» و «میراحمدی، منصور»؛ هویت و مبانی فکری جنبش انصارالله در یمن؛ فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام؛ شماره ۲ و ۳؛ زمستان ۱۳۹۳ و بهار ۱۳۹۴؛ صفحات ۱۴۵ تا ۱۶۵

۴. روزنامه کیهان؛ ستون یادداشت روز؛ انصارالله یمن چگونه به محور مقاومت پیوست؟؛ ۱۳۹۹/۰۹/۰۵

۵. خبرگزاری تسنیم؛ انصارالله کیست و چه می‌گوید؟؛ ۱۳۹۴/۰۱/۱۸

عربستان که آنها را تهدیدی برای خود می‌دانست، مستقیماً از علی عبدالله صالح خواستند با حوثی‌ها وارد جنگ شود^۱ و بدین ترتیب شش جنگ علیه حوثی‌ها به راه افتاد که در هر جنگ پیروزتر از قبل بیرون آمدند و به اصلی‌ترین بازیگر صحنه سیاسی یمن تبدیل شدند. آخرین دور این جنگ‌ها مربوط به سال ۲۰۰۹ است که در آن، آمریکا و اردن هم به کمک دولت یمن شتافتند اما نهایتاً نتوانستند موفقیتی به دست آورند^۲. حسین الحوثی در اولین جنگ در سپتامبر ۲۰۰۴ میلادی به شهادت رسید اما تا آن زمان، یعنی لحظه شهادت سید حسین هنوز سازمان انصارالله کنونی شکل نگرفته بود^۳. بعدها در جریان بیداری اسلامی در یمن و شکل‌گیری موج دوم آن در سال ۲۰۱۴ میلادی، این جریان جنبش انصارالله نام گرفت^۴.

امروز جنبش مردمی انصارالله، منسجم‌ترین گروه و قدرت مسلط و تعیین‌کننده در عرصه سیاسی یمن است.

□ ارتباط انصارالله یمن با حزب‌الله لبنان و محور مقاومت

حزب‌الله لبنان و انصارالله یمن هر دو حلقه‌ای از یک جریان سیاسی بزرگ‌تر واحد موسوم به «محور مقاومت» هستند. جرقه پیوند این دو جنبش شیعی در سال ۱۳۵۷ و با پیروزی انقلاب اسلامی ایران زده شد. در حقیقت ما دو نوع شیعه داریم: یک شیعه مذهبی تحت عنوان تشیع اثنی عشری و یک تشیع سیاسی که می‌توان جریان زیدی انصارالله را تشیع سیاسی به شمار آورد. حزب‌الله و انصارالله در تشیع سیاسی یعنی حمایت از محور مقاومت اشتراک عقیده دارند^۵.

با توجه به تعریف «محور مقاومت اسلامی» که عبارت است از مقاومت کشورها، سازمان‌ها، گروه‌ها و افراد، بر اساس آموزه‌های دین مبین اسلام در برابر تهاجم نظام سلطه و متحدان آن، که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در سطح منطقه، با محوریت مسئله فلسطین و مقاومت در برابر تجاوزات رژیم صهیونیستی تبلور یافت، و در سال‌های بعد نیز مقاومت در برابر تجاوزات آمریکا و متحدانش بر آن افزوده شد^۶، می‌توان چنین نتیجه گرفت که مؤلفه‌های زیر در پیوند حزب‌الله لبنان و انصارالله یمن با یکدیگر و با جمهوری اسلامی ایران و ایجاد زنجیره مقاومت، اثرگذار و تعیین‌کننده بوده‌اند: ماهیت و ارزش‌های حاکم بر این جنبش‌ها و شعارهای اصلی آنان، دیدگاه‌هایشان در قبال مسئله فلسطین، مواضع ضد آمریکایی و ضد صهیونیستی، مشی سیاسی و مبارزاتی، جهاد و پذیرش مقاومت، خواسته‌ها و اهداف کاملاً اسلامی، حکومت مطلوب از منظر آنها و بالاخره شرایط حاکم بر نظام بین‌الملل

برخی محققان بر این باورند که از دور اول درگیری‌های انصارالله با حکومت علی عبدالله صالح در سال ۲۰۰۴ تاکنون، انصارالله همان نقشی را در یمن دارد و همان راهبردی را در یمن اتخاذ کرده که حزب‌الله در لبنان؛ یعنی حفظ تمامیت

۱. خبرگزاری تسنیم؛ جنبش انصارالله از پیدایش تا کنون؛ ۱۳۹۳/۱۲/۲۲

۲. خبرگزاری تسنیم؛ انصارالله کیست و چه می‌گوید؟؛ ۱۳۹۴/۰۱/۱۸

۳. خبرگزاری رسمی حوزه؛ از شکل‌گیری مقاومت یمن تا شهادت سید حسین الحوثی؛ ۱۳۹۴/۰۱/۱۱

۴. روزنامه کیهان؛ ستون یادداشت روز؛ انصارالله یمن چگونه به محور مقاومت پیوست؟؛ ۱۳۹۹/۰۹/۰۵

۵. روابط حزب‌الله و انصارالله از افسانه تا واقعیت؛ گفتگوی خبرگزاری رسمی حوزه با دکتر «مجید مرادی» پژوهشگر مسائل بین‌الملل و عضو شورای علمی

دانشنامه اسلام معاصر؛ ۱۳۹۸/۰۷/۰۶

۶. پایگاه خبری تحلیلی الوقت؛ محور مقاومت اسلامی، ابعاد و مؤلفه‌ها؛ ۱۳۹۶/۱۱/۲۸

ارضی، پایان دادن به نفوذ آمریکا و عربستان در یمن و مهم‌تر از همه مقابله با گروه‌های سلفی به‌ویژه القاعده^۱. الگو گرفتن انصارالله از حزب‌الله لبنان به‌خصوص در امور نظامی را نیز باید یادآور شد. انتقال تجربیات و تخصص‌ها به‌ویژه در زمینه‌های نظامی، رسانه‌ای و فرهنگی سبب هم‌افزایی قدرت هر دو در جبهه مبارزه با استکبار شده است^۲.

وقتی یکشنبه شب ۲۲ نوامبر ۲۰۲۰ (دوم آذر ۱۳۹۹)، «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی به همراه «یوسی کوهن» رئیس موساد به‌طور مخفیانه برای برگزاری یک جلسه سری با «محمد بن سلمان» ولیعهد عربستان و «مایک پمپئو» وزیر خارجه وقت آمریکا به شهر «نئوم» عربستان رفت^۳، ارتش یمن با استفاده از موشک‌های هدایت‌پذیر «قدس ۲»، ایستگاه توزیع نفت شرکت نفتی آرامکو عربستان را در بندر جدّه هدف قرار داد^۴؛ روز بعد انصارالله اعلام کرد این موشک برای هدف قرار دادن بندر ایلات در اراضی اشغالی آماده شده است^۵. این پیام و ده‌ها نشانه از این دست، دلالت بر آن دارند که انصارالله یمن، عملاً از قالب یک جنبش ملی درآمده و در قالب جنبشی فراملی و منطقه‌ای کنشگری می‌کند و در مسائل کلان منطقه‌ای، متعلق به جبهه مقاومت است.

□ چگونگی آغاز جنگ یمن و بررسی دلایل پنهان آن

در سال ۲۰۱۱ قیام‌های عربی از تونس آغاز شد و بعد به سایر کشورهای جهان عرب تسری پیدا کرد؛ یمن نیز از این قاعده مستثنی نبود و قیام‌ها و اعتراضاتی علیه «علی عبدالله صالح» شکل گرفت. نهایتاً این قیام‌ها در ژوئن سال ۲۰۱۱ به فرار عبدالله صالح به عربستان منتهی شد. پس از فرار وی، به ابتکار شورای همکاری خلیج فارس، «عبدربه منصورهادی» معاون عبدالله صالح به‌عنوان رئیس جمهور موقت به مدت دو سال انتخاب شد؛ بعد یک سال دیگر هم تمدید شد و ریاست جمهوری او سه سال ادامه یافت. در این مدت عملکرد ضعیف منصورهادی و تداوم سیاست‌های صالح - یعنی نزدیکی به غرب و عربستان - سبب ایجاد نارضایتی جنبش انصارالله از منصورهادی شده بود. انصارالله سعی داشت با گفتگو و مصالحه دولت را از تعقیب این سیاست منصرف کند که موفق نشد. منصورهادی که بنا بود رئیس جمهور موقت باشد، در سال ۲۰۱۴، در یک همه‌پرسی باز هم به‌عنوان رئیس جمهور یمن انتخاب شد و انصارالله و جنبش حرّاک جنوبی به مخالفت برخاستند؛ حوثی‌ها در سپتامبر ۲۰۱۴ صنعا را تصرف و تشکیل حکومت وحدت ملی را اعلام نمودند. در فوریه سال ۲۰۱۵ «عوض بن مبارک» رئیس دفتر منصورهادی، به اتهام جاسوسی توسط انصارالله دستگیر شد^۶. این دستگیری برای منصورهادی بسیار گران آمد و باعث شد ۲۱ ژانویه ۲۰۱۵ از سمت خود استعفا دهد؛ «خالد محفوظ بحاح» نخست‌وزیر نیز استعفا داد و متعاقب آن هر دو به «عدن» گریختند. در ۲۱ فوریه ۲۰۱۵ منصورهادی بنا به توصیه عربستان استعفای خود را پس گرفت و عدن را به‌عنوان پایتخت موقت معرفی کرد. پس از آن انصارالله بیانیه قانون اساسی را صادر و پارلمان را منحل کرد و به تشکیل پارلمان مبادرت نمود. منصورهادی از عدن، خواستار مداخله نظامی کشورهای حاشیه خلیج فارس شد. شورای همکاری خلیج فارس به رهبری عربستان در

۱. «احمدوند، ولی محمد» و «میراحمدی، منصور»؛ هویت و مبانی فکری جنبش انصارالله در یمن؛ فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام؛ شماره ۲ و ۳؛ زمستان ۱۳۹۳ و بهار ۱۳۹۴؛ صفحات ۱۴۵ تا ۱۶۵

۲. خبرگزاری رسمی حوزه؛ حزب‌الله و انصارالله؛ نگاهی گذار به همراهی‌ها؛ ۱۳۹۹/۰۱/۲۸

۳. دویچه وله؛ چرا نتانیاهو به عربستان رفت؛ 24.11.2020

۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی؛ حمله موشکی ارتش یمن به پالایشگاه آرامکو عربستان؛ ۱۳۹۹/۰۹/۰۳

۵. خبرگزاری مهر؛ بُرد موشکی که جدّه را هدف گرفت تا بندر ایلات خواهد رسید؛ ۱۳۹۹/۰۹/۰۴

۶. روزنامه کیهان؛ ستون نگاه؛ رویاهای منصورهادی چگونه به باد رفت؛ ۱۳۹۹/۰۵/۱۳

واکنش به قدرت گرفتن حوثی‌ها در یمن، نشست اضطراری تشکیل داد و تسلط یافتن حوثی‌ها بر صنعا را «کودتا» علیه دولت مشروع این کشور نامید؛ اتحادیه عرب نیز حمایت کامل خود را از جنگ در برابر حوثی‌ها اعلام کرد. نهایتاً در فروردین سال ۱۳۹۴، عربستان با تشکیل ائتلافی به یمن حمله کرد و به این ترتیب جنگ شروع شد.^۱

آنچه که گفته شد، یک روی ماجراست. واقعیت آن است که عربستان برای حمله نظامی به یمن و کمر بستن به نابودی جنبش انصارالله، دلایل جدی تری داشت. آنچه که عربستان را وادار به شروع جنگی ویرانگر کرد، تهدیداتی است که از ناحیه انصارالله متوجه عربستان و متحدانش به‌ویژه آمریکا و رژیم صهیونیستی می‌شود. ذیلاً عمده‌ترین این تهدیدات را برشمرده‌ایم:



الف - عربستان

۱- یکی از مهم‌ترین دلایل حمله به یمن، استیصال عربستان در مقابل جبهه مقاومت و رسیدن گفتمان مقاومت به منزلتی هژمونیک در سطح منطقه است. امروز در عراق، بحرین، سوریه، لبنان و فلسطین تنها گفتمان مقاومت است که توانسته پس از چند دهه تحقیر در مقابل تجاوزگری، عزت و اعتبار را به امت اسلامی بازگرداند. جنبش انصارالله نیز تحت تأثیر این گفتمان، به دنبال کسب عزت و استقلال برای مردم یمن است که تحت اشغال غیرمستقیم عربستان سعودی قرار داشته است. آل سعود از این که انصارالله در یمن به تأسی از گفتمان مقاومت، تبدیل به مدل دیگری از حزب‌الله لبنان شود به شدت در هراس است.

۲- هراس عربستان از رسیدن موج دموکراسی خواهی به منطقه، دیگر دلایل اصلی حمله به یمن است. در میان عربستانی‌ها رایج است که می‌گویند: "هر بلایی که به سرزمین حجاز می‌رسد از جانب یمن است!" بنابراین در پی آن بودند که دموکراسی در یمن شکل نگیرد، چرا که در غیر این صورت استان‌های جنوبی عربستان متأثر از این قضیه می‌شدند و حاکم شدن دموکراسی انجمنی در یمن، مدلی الهام بخش برای مردم جنوب، شرق و تمامی عربستان می‌شد که خطری جدی برای پادشاهی سعودی به همراه داشت. عربستان کوشش زیادی کرده بود تا خود را از موج دموکراسی خواهی یا انقلاب‌های عربی مصون نگه دارد. در این زمینه هافینگتون پست در گزارشی نوشته بود: «زمانی که ده حزب اصلی یمن در حال مذاکره برای

^۱. نشست تخصصی پژوهش‌های خبری با دکتر «احد نوری اصل» کارشناس مسائل منطقه؛ ۹۹/۴/۲۵

رسیدن به مدل مشارکتی و سهم‌بندی قدرت بودند - و انصارالله هم یکی از ده حزب بود - اولین بمب عربستان در یمن فرود آمد»^۱.

۳- واضح است که افزایش قدرت انصارالله، مخالفت عربستان را در پی داشت. فعالیت‌های بلندمدت نظامی و چریکی انصارالله، این جنبش مردمی شیعی را به یک قطب قدرتمند در شبه جزیره عربستان تبدیل کرده است. آل سعود از یاد نبرده که ارتش کشورش در حمله سال ۱۳۸۸ شمسی به مبارزان انصارالله در منطقه صعده، چه ضربه سنگینی را متحمل شد و پس از برجا گذاشتن تلفات زیاد، ناکام به عربستان بازگشت. وجود چنین نیرویی در یمن که چهار راه جریان سلاح از آسیا به آفریقا و بالعکس است، می‌تواند به شکل‌گیری یک قیام، حتی مسلحانه، توسط شیعیان عربستان بیانجامد.

۴- عربستان می‌خواست نقشی را که جمهوری اسلامی ایران در جبهه مقاومت ایفا می‌کند در جبهه سازش ایفا کند ولی چون صحنه بازی را به حریف واگذار کرده بود، سعی داشت با این لشکرکشی موقعیت خود را به‌عنوان یک رهبر منطقه‌ای به رخ سایر بازیگران بکشد و غرور جریحه‌دار شده خود را نزد ملت‌های منطقه بازبایی کند^۲.

۵- ادامه شیعیان زیدی و اسماعیلی یمن به سه استان جنوبی عربستان یعنی «نجران»، «عسیر» و «جیزان» می‌رسد که برای آل سعود وهابی که در تضاد با تفکرات زیدیه و شیعه هستند، تهدید جدی محسوب می‌شود^۳. وجود اقلیت شیعه‌ای که بین ۱۰ تا ۱۵ درصد جمعیت عربستان را تشکیل می‌دهد و در مناطق نفت‌خیز کشور سکنی گزیده‌اند، از نگرانی‌های اصلی سعودی‌هاست. وجود یک حکومت تثبیت شده متمایل به ایران در همسایگی عربستان، خطر بالقوه خیزش شیعیان عربستان را در پی دارد. ضمناً بی‌ثباتی در عربستان، به‌عنوان گرانیگاه حکومت‌های طرفدار غرب در منطقه، سبب بی‌ثباتی دیگر کشورهای منطقه نیز خواهد بود.

۶- قدرت گرفتن شیعیان حوثی در یمن، هم‌زمان با پیشرفت موفقیت‌آمیز مذاکرات هسته‌ای ایران با کشورهای ۵+۱ بود. هراس وهابیون در عربستان از تسلط شیعیان بر یمن، با آن موقعیت ناب ژئوپلیتیک در همسایگی عربستان و در نزدیکی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای، از این زاویه قابل درک است.

۷- هر طرفی که در درگیری‌های داخل یمن پیروز شود، عملاً گذرگاهی که نفت دریای سرخ را از طریق گذرگاه‌های دریایی اقیانوس هند به آسیا می‌رساند یعنی تنگه «باب‌المنذب» را تحت کنترل خواهد گرفت.

^۱. نشست کارشناسی پژوهش‌های خبری با دکتر «محمد رضا مرادی» کارشناس مسائل عربستان؛ ۹۷/۰۵/۰۳

^۲. خبرگزاری صدا و سیما؛ مروری بر پرونده تهاجم نظامی عربستان به یمن؛ ۱۳۹۵/۰۱/۰۷

^۳. لازم به توضیح است که ۵۳ درصد از مسلمانان یمن سنی و ۴۵ درصد آنها شیعه هستند. سنی‌ها اکثراً شافعی مذهب و شیعیان هم زیدی هستند. شیعیان زیدی غالباً در «صنعا»، «عمران» و «صعده» متمرکز و شیعیان اسماعیلی نیز عمدتاً در «الجوف» و بخش‌هایی از «صعده» مستقر هستند.

آل سعود با آگاهی از این موقعیت استراتژیک، در طول چند دهه گذشته تلاش کرده بر سیاست و حکومت یمن سیطره داشته باشد و همواره سعی کرده با دخالت‌های سیاسی و حتی لشکرکشی نظامی، دولت حاکم بر یمن را در مدار خود حفظ کند. اما انصارالله به تدریج یمن را از استیلای عربستان خارج کرده است.

۸- سه استان «نجران»، «عسیر» و «جیزان» در اصل متعلق به یمنی‌هاست؛ انصارالله انگیزه زیادی برای بازپس‌گیری آنها دارد. عربستان این سه استان را در دهه ۱۹۳۰ از یمن اجاره کرد، اما بعد آنها را به خاک خود ملحق و در حقیقت اجاره را به اشغال تبدیل کرد. عزم یمنی‌ها برای بازپس‌گیری سه استان بسیار است چون آنها را متعلق به خود می‌دانند و قدرت گرفتن مخالفان عربستان در یمن، این عزم را عملی خواهد کرد.

ب- رژیم صهیونیستی

۱- «بن‌گوریون» در استراتژی سنتی خود اعلام کرده: "ما باید از طریق آبراه‌های دریای سرخ یعنی تنگه باب‌المنذب و جزایر کوچک آن، امنیت خود را تأمین کنیم". «شیمون پرز» هم در کتاب خود به نام «خاورمیانه جدید» آورده است: "نقطه حرکت استراتژی جدید اسرائیل می‌تواند دریای سرخ باشد". تنها راه ورود رژیم صهیونیستی به دریای سرخ، بندر «یلات» در «خلیج عقبه» است؛ کشتی‌های رژیم صهیونیستی اگر بخواهند با شرق آسیا (چین، ژاپن و ...) یا جنوب آفریقا ارتباط داشته باشند، بایستی از طریق دریای سرخ به سمت جنوب حرکت کنند و بعد از عبور از باب‌المنذب، به شرق آسیا یا جنوب آفریقا برسند. تسلط انصارالله بر باب‌المنذب یا حداقل مؤثر بودن آنها بر این تنگه، برای صهیونیست‌ها بسیار نگران‌کننده و خطرناک است.

۲- نگرانی عمیق رژیم صهیونیستی از تسلط انصارالله بر تنگه استراتژیک باب‌المنذب یکی از دلایل اصلی حمایت از عربستان در حمله به حوثی‌ها است. چند هفته قبل از حمله عربستان به یمن، نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در مراسم معرفی «گادی آیزنکوت» به‌عنوان رئیس ستاد مشترک ارتش، از اینکه حوثی‌ها بر باب‌المنذب تسلط پیدا کنند ابراز نگرانی و یکی از مأموریت‌های آیزنکوت را مقابله با آن اعلام کرده بود. حتی روزنامه عبری‌زبان «یلی» به نقل از «امیر ایشیل» فرمانده نیروی هوایی رژیم صهیونیستی فاش کرد که "یک اسکادران از جنگنده‌های اسرائیلی به کشورهای عربی برای سیطره بر یمن کمک و به اهدافی در این کشور حمله می‌کنند". بر اساس برخی گزارش‌ها از منابع اطلاعاتی منطقه، پیش از آغاز تهاجم، کارشناسان نظامی و اطلاعاتی رژیم صهیونیستی مدلی جامع از چگونگی حمله و حواشی آن را از طریق «سعود الفیصل» به عربستان منتقل کرده بودند. در این مدل به ضعف مفرط ارتش آل سعود و رویارویی این ارتش با حوثی‌ها در سال ۲۰۰۹ که در آن عربستان شکست سنگینی خورده بود، اشاره شده بود.^۱

۳- انصارالله، این دشمن قسم خورده رژیم صهیونیستی با تسلط بر بخش‌های جنوبی یمن، می‌تواند به راحتی سرمایه‌گذاری‌های رژیم صهیونیستی در کشورهای شمالی آفریقا را مورد تهدید قرار دهد. این سرمایه‌گذاری‌ها به‌خصوص در زمینه احداث پایگاه‌های دریایی و ایستگاه‌های شنود صورت گرفته و از آنها به منظور رصد و کنترل دریای سرخ و کشورهای

^۱ روزنامه کیهان؛ یمن ویتنام عربستان شد؛ ۱۳/۱۲/۱۳۹۹

عربستان، یمن و سودان و نیز حرکت نفتکش‌ها استفاده می‌شود؛ به‌علاوه محلی است برای فعالیت زیردریایی‌های مسلح به موشک‌های هسته‌ای رژیم صهیونیستی^۱.

نکته: نباید فراموش کرد که آمریکا به‌عنوان یکی از حامیان اصلی حمله به یمن، ضمن اشتراک نظر و منافع با عربستان و رژیم صهیونیستی در آنچه که ذکر شد، موضوع جریان انتقال انرژی را نیز مد نظر دارد. سالانه حدود ۲۵ هزار کشتی از باب‌المنندب عبور می‌کند و روزانه ۳۰۰ هزار بشکه نفت (۳۰ درصد نفت جهان) از این تنگه به بازارهای جهانی منتقل می‌شود^۲. تسلط یکی از اعضای محور مقاومت بر این حوزه، می‌تواند سیر انتقال انرژی را بر خلاف منافع نظام سلطه تحت تأثیر قرار دهد.

□ تغییر معادله قدرت در جنگ یمن

عربستان متکی به دلارهای بی‌شمار نفتی و حمایت قدرت‌های نظامی جهان، در همان آغاز جنگ، با حملات هوایی سنگین، زیرساخت‌های غیرنظامی یمن را در هم کوبید و نابود کرد. ایستگاه‌های برق رسانی و تولید برق، خطوط انتقال گاز و نفت، مخازن آب، انبارهای مواد غذایی، سیلوهای گندم، بنادر دریایی، فرودگاه بین‌المللی صنعا و هواپیماهای مسافربری، تأسیسات بهداشتی و پزشکی، جاده‌ها و پل‌ها و شبکه‌های ارتباطی و ... با خاک یکسان و یمنی‌ها از دسترسی به خدمات اساسی از جمله آب، برق، غذا، سوخت، درمان و سایر ملزومات اولیه زندگی محروم شدند. در تمام شش سال گذشته نیز، محاصره کامل هوایی، زمینی و دریایی به‌علاوه کاربرد سلاح‌های ممنوعه و شیمیایی نیز جریان داشت و دارد. در مقابل نیروهای مقاومت مردمی یمن با دست‌ان خالی و پاهای برهنه، در حالی که هیچ حامی در جهان عرب نداشتند، جانانه از مرزهای عقیدتی و سرزمینی خود دفاع می‌کردند.

اما شگفت‌آور است که امروز دیگر مثل سه چهار سال پیش، نه خبر بمباران مردم یمن، بلکه خبر موشک‌باران و حملات پهنپادی به مراکز استراتژیک عربستان در رأس اخبار بحران یمن قرار گرفته است. در معادلات سیاسی و عرصه نظامی، چنان تحولات شگرفی رخ داده که سیگنال‌های درخواست پایان جنگ، این بار نه از سوی مجامع بین‌المللی یا از جانب صنعا، بلکه از سوی طرف متجاوز صورت می‌گیرد که روزی مطمئن از قدرت برتر خود، علیه فقیرترین کشور عربی اعلان جنگ کرد و آن را آماج حملات بی‌امان خود ساخت.

چندی است که جهان شاهد عملیات‌های گسترده، هدفمند و مؤثر انصارالله به زیرساخت‌ها و تأسیسات حیاتی عربستان سعودی است. انصارالله اینک از موضع دفاعی به موضع تهاجمی و از موضع تهاجمی به موضع بازدارندگی رسیده و بارها اعلام کرده که شرط توقف جنگ، آتش‌بس و لغو تحریم‌های زمینی، هوایی و دریایی یمن است؛ و اینکه هرگز ماجراجویی جدیدی را بی‌پاسخ نخواهد گذارد^۳. از زمان آغاز حملات انصارالله علیه تأسیسات عربستان سعودی در مه ۲۰۱۹، مذاکره مستقیم به یکی از گزینه‌های اصلی عربستان تبدیل شده است. مقامات سعودی در این مدت تماس‌های باواسطه و

۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی؛ پایگاه‌های نظامی خارجی در کرانه دریای سرخ؛ ۱۳۹۶/۰۹/۰۶

۲. نشست کارشناسی پژوهش‌های خبری با دکتر «محمد رضا مرادی» کارشناس مسائل عربستان؛ ۹۷/۰۵/۰۳

۳. شورای راهبردی روابط خارجی؛ راهبرد نظامی انصارالله در قبال ائتلاف سعودی؛ ۱۳۹۶/۰۵/۰۱

مخفیانه‌ای با انصارالله برقرار کرده‌اند و از نمایندگان آن‌ها خواسته‌اند تا برای توقف حملات و رسیدن به توافق برای برقراری آرامش به مذاکره مستقیم بنشینند.^۱

تغییر معادلات میدانی و موازنه قدرت، ناشی از ابتکارات راهبردی انصارالله در هدف قرار دادن عمق استراتژیک عربستان توسط عملیات‌های موشکی و پهپادی صورت گرفته است. این مهم نیز با دسترسی انصارالله و نیروهای مردمی یمن به سلاح‌های مهم و دقیق مثل موشک‌های بالستیک و نقطه‌زن و پهپادهای مدرن و تهاجمی بوده که ورق را در جنگ یمن برگردانده است؛ توانمندی که با تکیه بر هوش بالا و استعدادهای داخلی و دانش بومی حاصل شده است.^۲

□ سلسله عملیات‌های موازنه بازدارندگی

رزمندگان یمنی در شرایط محاصره همه‌جانبه و با وجود امکانات نظامی حداقلی، در فاصله سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸، راهبرد مقاومت را انتخاب و در برابر دشمن قدرتمند، جانانه ایستادگی کردند. اما تقریباً از میانه سال ۱۳۹۸، علیه متجاوزان خارجی و مزدوران داخلی آنها رویکرد تهاجمی در پیش گرفتند و از فاز پدافندی به آفندی تغییر تاکتیک دادند. دستاوردهای درخشان سیاسی و نظامی حاصل از این عملیات‌های آفندی، آشکارا موازنه جنگ را به نفع انصارالله تغییر داد.^۳ در مرحله بعد، انصارالله این استراتژی را در پیش گرفت که تا زمانی که سعودی‌ها و هم‌پیمانانشان دست از تجاوز برنداشته‌اند، حرکت بازدارندگی در عمق خاک عربستان را ادامه دهند.^۴ عمده این عملیات‌ها، تحت عنوان عملیات‌های موازنه بازدارندگی یک تا شش منجر به تغییر معادله قدرت شده که مروری سریع بر آنها خواهیم داشت.^۵

موازنه بازدارندگی یک: مورخ ۱۷ آگوست ۲۰۱۹، بزرگ‌ترین عملیات هجومی انصارالله از زمان آغاز تجاوز نظامی به یمن بود. در این عملیات، ۱۰ فروند پهپاد به‌طور هم‌زمان، میدان نفتی و پالایشگاه «الشیبه» شرکت «آرامکو» را در شرق عربستان هدف قرار دادند. اهمیت این عملیات، فاصله ۱۲۰۰ کیلومتری هدف بود که هیچ‌کدام از سامانه‌های دفاعی عربستان موفق به رهگیری پهپادها نشدند.^۶

موازنه بازدارندگی دو: مورخ ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۹؛ دو پایگاه مهم نفتی «البقیق» و «الخریص» هدف ۱۰ فروند پهپاد یمنی قرار گرفتند. این عملیات ۵۰ درصد تولید نفت عربستان یعنی حدود پنج میلیون و ۷۰۰ هزار بشکه را در روز کاهش داد و موجب افزایش ۱۹ درصدی قیمت جهانی نفت شد.

موازنه بازدارندگی سه: مورخ ۲۱ فوریه ۲۰۲۰؛ دو فروند موشک بالستیک «قدس»، ۱۲ پهپاد «صماد-۳» و یک موشک دوربرد شرکت آرامکو و هشت مکان را در عمق شهر صنعتی «ینبع» عربستان هدف قرار دادند.

موازنه بازدارندگی چهار: مورخ ۲۳ ژوئن ۲۰۲۰؛ یگان‌های موشکی و پهپادی ارتش و کمیته‌های مردمی یمن با انواع متعددی از موشک و پهپاد، از ساعات شب تا طلوع صبح، اهداف بسیار حساسی را در شهرهای «ریاض»، «جیزان» و

۱. مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری؛ تغییر معادلات جنگ یمن و سناریوهای پیش روی عربستان؛ ۱۳۹۸/۰۵/۰۳

۲. برای کسب اطلاعات بیشتر درباره پیشرفت‌های موشکی و پهپادی مقاومت یمن رجوع شود به مقاله «سیر تحول توان نظامی - تسلیحاتی انصارالله یمن»؛

اندیشکده راهبردی تبیین؛ ۱۳۹۸/۱۲/۲۸

۳. مصاحبه پژوهشی پژوهش‌های خبری با دکتر «احد نوری اصل» کارشناس مسائل منطقه؛ ۹۹/۴/۲۵

۴. شورای راهبردی روابط خارجی؛ راهبرد نظامی انصارالله در قبال ائتلاف سعودی؛ ۱۳۹۹/۰۵/۰۱

۵. برای کسب اطلاعات بیشتر رجوع شود به خبرگزاری صدا و سیما؛ شش سال مقاومت مردم یمن در مقابل طوفان حماقت سعودی‌ها؛ ۱۳۹۹/۱۲/۲۳

۶- سیر تحول توان نظامی - تسلیحاتی انصارالله یمن؛ اندیشکده راهبردی تبیین؛ ۱۳۹۸/۱۲/۲۸

«نجران» عربستان هدف قرار دادند. از بارزترین این هدف‌ها می‌توان ساختمان وزارت دفاع، ریاست مرکز اداره اطلاعات و استخبارات، پایگاه هوایی سلمان و پایگاه‌های نظامی در جیزان و نجران را نام برد.

موازنه بازدارندگی پنج: مورخ ۲۸ فوریه ۲۰۲۱؛ در این عملیات یمنی‌ها با یک فروند موشک بالستیک، نه (۹) فروند هواپیمای بدون سرنشین و شش پهپاد، اماکن نظامی را در مناطق «أبها» و «خمیس مشیط» مورد حمله قرار دادند.

موازنه بازدارندگی شش: مورخ هفتم مارس ۲۰۲۱؛ در عملیاتی مشترک و با ۲۲ موشک و پهپاد، تأسیسات آرامکو در بندر نفتی «رأس التنوره» و اهداف نظامی در شهر «الدمام» در شرق عربستان و نیز مناطقی در «عسیر» و «جیزان» در جنوب عربستان هدف قرار گرفتند.

گفتنی است عملیات‌های توازن بازدارندگی یک تا سه، عمدتاً بر اهداف نفتی و زیرساخت‌های اقتصادی متمرکز بودند؛ اما در عملیات بازدارندگی چهار به بعد، علاوه بر مراکز اقتصادی، مشخصاً فرماندهان نظامی ارشد و مراکز مهم نظامی و اطلاعاتی نیز هدف قرار گرفته‌اند.^۱

البته عملیات‌های تهاجمی مهم دیگری من جمله عملیات چند مرحله‌ای «نصر من الله»، عملیات «البنیان المرصوص»، عملیات «فامکن منهم» و عملیات پاکسازی «البيضاء» نیز دستاوردهای ارزشمندی برای ارتش، انصارالله و نیروهای مقاومت مردمی یمن به همراه داشته‌اند.^۲

□ جمهوری اسلامی ایران و اتهام دخالت در جنگ یمن

جمهوری اسلامی ایران در قامت یک کنشگر جدی و مهم در غرب آسیا، بر اساس هنجارها و اصول بنیادین خود و با توجه به محیط پیرامونی و نوع تعاملی که با دیگر بازیگران نظام بین‌الملل دارد، هویتی خاص از خود و دیگر موجودیت‌های بین‌المللی تعریف کرده است و در قبال آنها نوع و سطح رفتار لازم را اتخاذ می‌کند.

بدیهی است نحوه ورود جمهوری اسلامی ایران به مسائل مربوط به گروه‌هایی همچون انصارالله یمن، معنوی و در حد حمایت رسانه‌ای است، که بیشتر با انعکاس سخنرانی‌ها و مواضع رهبران انصارالله، نمایش تجمعات حامیان آن، به تصویر کشیدن حملات عربستان سعودی به غیرنظامیان یمن، حمایت سیاسی و دیپلماتیک در مجامع بین‌المللی و همچنین کمک‌های مادی غیر نظامی اعم از رساندن دارو، غذا، پوشاک و دیگر کمک‌های انسانی صورت می‌گیرد. دشمنان ادعاهای متعددی درباره دخالت نظامی ایران در یمن و مشخصاً ارسال کمک‌های نظامی و سلاح‌های سنگین همچون موشک برای انصارالله مطرح می‌کنند. در پاسخ باید گفت اولاً با شرایط فعلی حاکم بر منطقه و نظارت‌های دقیق و مستمر سازمان ملل و برخی کشورها، امکان ارسال تسلیحات به یمن تقریباً در حد صفر است. ثانیاً نباید از بنیه نظامی داخلی یمن غافل شد. نظام قبلی حاکم بر یمن، حکومتی متأثر از نظامیان بود و شخص «علی عبدالله صالح»، قبل از رسیدن به ریاست جمهوری، به‌عنوان یک نظامی رده بالا، ریاست ستاد کل ارتش یمن را بر عهده داشت و منطقاً نسبت به تقویت و توسعه امکانات، قدرت و دانش نظامی و ساخت تسلیحات در کشورش بی‌توجه نبود. در واقع ارتش و انصارالله یمن وارث توان و تسلیحات

۱. مصاحبه پژوهشی پژوهش‌های خبری با دکتر «احد نوری اصل» کارشناس مسائل منطقه؛ ۹۹/۴/۲۵

۲. برای آگاهی کامل از عملیات‌های مقاومت یمن علیه ائتلاف سعودی و میزان خسارات وارد شده بر آنها، به سخنان «یحیی سریع» سخنگوی نیروهای مسلح یمن در آستانه ششمین سالروز آغاز جنگ یمن مراجعه شود.

حکومت سابق هستند و نیازی به کمک خارجی برای ساخت موشک ندارند و با امکانات و دانش متخصصان داخلی، اقدام به ساخت موشک و دفاع از خود در برابر حملات ارتش عربستان سعودی می‌نمایند.^۱ حتی شورای روابط خارجی اروپا نیز به این موضوع اذعان دارد. این شورا در گزارشی با عنوان «گفتگو با حوثی‌ها چگونه می‌تواند صلح را در یمن ترویج دهد؟» می‌گوید: "جنبش حوثی یک سوم سرزمین یمن را در کنترل خود دارد ... حوثی‌ها حتی بدون حمایت و پشتیبانی ایران هم به جنگ ادامه خواهند داد؛ اینکه تصور کنیم ایران می‌تواند رفتار حوثی‌ها را هدایت کند، امری اشتباه است."^۲

در واقع سعودی‌ها با طرح اتهام دخالت و کمک جمهوری اسلامی ایران به حوثی‌ها در یمن، در نظر دارند بخشی از بار شکست‌هایی را که در جبهه‌ها متحمل شده‌اند، به این سمت ارجاع دهند تا مسبب این خسارات سنگین، نه گروهی با دست‌ان خالی و پاهای برهنه، بلکه یک قدرت بزرگ منطقه‌ای عنوان شود.

□ دستاوردهای سیاسی انصارالله

به اذعان دوست و دشمن، امروز سازمان‌یافته‌ترین و منسجم‌ترین گروه سیاسی در یمن، انصارالله و متحدانش هستند. «جاناتان اسپایر» عضو ارشد مرکز تحقیقات میان‌رشته‌ای «هرتزلیا» در روزنامه صهیونیستی «جروزالم پست» ضمن اشاره به نگرانی‌های رژیم صهیونیستی از شکست عربستان در جنگ یمن می‌نویسد: «...حوثی‌ها دیگر آن نیروهای چریکی نیستند که در سال ۲۰۱۵ بر صناعا مسلط شدند؛ آنها با اعتماد به نفسی فزاینده ناشی از قدرت نظامی خود رفتار و در سطح دیپلماتیک مانند یک دولت رسمی عمل می‌کنند...»^۳

انصارالله یمن سوای پیشرفت‌های خیره‌کننده در حوزه جنگ‌افزارهای مدرن و کسب دستاوردهای ارزشمند نظامی از شش سال مقاومت و مجاهدت در برابر متجاوزان، دستاوردهای ذی‌قیمت سیاسی نیز داشته است. عمده‌ترین آنها عبارتند از:

۱. مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه؛ ایرانی بودن موشک‌های انصارالله یمن: ادعا یا واقعیت؟؛ ۱۳۹۶/۰۷/۱۴

۲. مؤسسه راهبرد معاصر؛ گزارش اندیشکده‌ها؛ شماره ۱۴؛ ۱۳۹۹/۹/۲۷

۳. شبکه خبری العالم؛ هراس روزنامه صهیونیستی از افزایش قدرت انصارالله؛ (۱۳۹۸/۷/۳۰)

۱- تثبیت انصارالله به عنوان یک جنبش قدرتمند و مشروع منطقه‌ای

۲- التزام به پذیرش مشروعیت انصارالله از سوی جبهه مقابل

۳- موجودیت و کارکرد ویژه انصارالله

۴- ارتقا انصارالله در حوزه دیپلماتیک

۱- تثبیت انصارالله به عنوان یک جنبش قدرتمند و مشروع منطقه‌ای؛ سازمان ملل متحد که در قطعنامه مورخ ۲۵ فروردین ۱۳۹۴، جنبش انصارالله را تروریستی و غیرقانونی خوانده و خواستار خلع سلاح کامل و محرومیت از هر نوع فعالیت سیاسی آن شده بود^۱، در بهمن ماه سال ۱۳۹۶ برای مذاکره با انصارالله نماینده‌ای^۲ تعیین کرد که تاکنون با انصارالله ارتباط مستمر دارد. در مذاکرات صلح استکهلم، انصارالله به عنوان هیئت یمن در مذاکرات شرکت کرد. مهم‌ترین دستاورد انصارالله از این مذاکرات نیز به رسمیت شناخته شدن در جامعه جهانی به عنوان یک گروه مشروع بود. قدرت‌های جهانی نیز پس از شش سال مقاومت فعال این جنبش در برابر تحریم و قحطی و جنگ، در نهایت از سر استیصال موجودیت این جنبش را پذیرفته‌اند و گام به گام در برابر خواسته‌های آنان کوتاه آمده‌اند.

۲- التزام به پذیرش مشروعیت انصارالله از سوی جبهه مقابل؛ عربستان که زمانی شرطش برای حضور در مذاکرات، عدم حضور انصارالله بود و آنان را مشتی کودتاچی متمرّد می‌خواند، اکنون انصارالله را بخشی از بافت اجتماعی غیرقابل انکار یمن می‌خواند^۳.

۳- موجودیت و کارکرد ویژه انصارالله؛ امروز انصارالله به عنوان تنها طرف اصلی ماجرا در یمن برای انجام مذاکره، نبرد، آتش‌بس، تبادل اسرا و ... شناخته می‌شود. همین موضوع جایگاه انصارالله را به طور رسمی ارتقا داده است. آمریکایی‌ها با درک این موضوع انصارالله را از فهرست گروه‌های تروریستی خارج کردند؛ چراکه دیدند اگر انصارالله را در فهرست تروریستی قرار دهند، بازیگر مطرحی برای انجام مذاکرات سیاسی در یمن وجود ندارد^۴.

۱. «سعدالله زارعی»؛ روزنامه کیهان؛ ش ۲۲۲۵۳؛ ص ۲؛ (۱۳۹۸/۵/۱۶)

۲. «مارتین گریفیتس»

۳. مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه؛ مقاومت رمز تغییر نگاه جهانی؛ ۱۳۹۵/۰۶/۰۲

۴. دکتر «سید رسول شبیبی»؛ نشست کمیته کارشناسی جهان اسلام؛ ۱۳۹۹/۰۹/۰۲

۴- ارتقا انصارالله در حوزه دیپلماتیک؛ ایجاد دولت قانونی و مشروع در صناعا یک پیروزی ارزشمند دیگر برای انصارالله است. تعیین سفیر فوق العاده یمن در جمهوری اسلامی ایران^۱ از سوی دولت نجات ملی و تعیین سفیر جمهوری اسلامی ایران در یمن^۲، بیانگر رسمیت یافتن دولت قانونی یمن یکپارچه به پایتختی صنعا، و شناسایی رسمی آن توسط ایران به عنوان مهم ترین قدرت منطقه ای است.^۳

□ جمع بندی

شرایط کنونی در جبهه های نبرد و در سپهر سیاسی یمن، با شش سال گذشته و ماه ها و سال های ابتدایی جنگ، زمین تا آسمان متفاوت شده است. آن چه که امروز در صحنه میدانی و سیاسی بحران یمن مشاهده می شود، تغییر راهبردی به سود انصارالله و به زیان سعودی هاست. توازن قدرت در میدان مخاصمه میان انصارالله یمن و سعودی و حامیانش، دچار چنان تغییر اساسی شده که وضعیت جدید می تواند ورود جنگ به سال هفتم را با خسارت های جبران ناپذیر به عربستان سعودی رقم زند. ارتش، نیروهای مردمی و بالخصوص انصارالله یمن، امروز از شش سال پایداری دلیرانه، دستاوردهای پرافتخاری دارند که اتفاقاً کم شمار هم نیستند؛ دستاوردهایی که در سطوح مختلف نظامی، سیاسی و دیپلماتیک، اساساً تفسیر جدیدی به موقعیت بازیگران دو سوی جبهه بخشیده و مهم تر از آن، معادلات منطقه ای را دچار تحول کرده اند. چرا که در دورنمایی وسیع تر، آشکارا ضعف جبهه آمریکا در منطقه و ابتکار و جسارت و نوآوری جنگی از طرف محور مقاومت را به نمایش گذاشته اند. در روزهای اخیر، مؤسسه بین المللی صلح استکهلم، وقتی آمار خرید و فروش های سلاح در دنیا را برای سال های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ منتشر کرد، نوشت: بزرگ ترین صادر کننده سلاح جهان در این سال ها آمریکا و بزرگ ترین واردکننده نیز عربستان بوده است. این بدان معنی است که بزرگ ترین صادر کننده و بزرگ ترین وارد کننده سلاح جهان، حریف انقلابیون یمن و حریف یک حلقه از زنجیره مقاومت نیستند.

پیروزی شگفت انگیز انصارالله یمن، همان واقعیتی است که از روزهای آغازین جنگ، رهبر معظم انقلاب آن را پیش بینی کرده بودند؛ ایشان در دیدارها و مناسبت های گوناگون، مکرر به این موضوع اشاره داشته اند: «...کاری که دولت سعودی امروز در یمن انجام می دهد عیناً همان کاری است که صهیونیست ها در غزه انجام دادند؛ اگر آنها در غزه توانستند پیروز شوند، اینها هم پیروز خواهند شد...»^۴.

شکی نیست مبارزانی که طی شش سال در برابر سبعانه ترین جنگ منطقه ای چند دهه اخیر مقاومت کردند، آخرین مرحله جنگ را نیز با مقاومت کم نظیر یا کسب پیروزی قطعی در برابر متجاوزان پشت سر خواهند گذاشت و یمن نوین را به دور از دخالت بیگانگان پایه ریزی خواهند کرد.

۱. «ابراهیم محمد محمد الدیلمی»

۲. «حسن ایرلو»

۳. روزنامه جوان؛ ش ۵۷۲۸؛ ص ۱۵؛ (۱۳۹۸/۵/۲۸)

۴. پایگاه اینترنتی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای